

قصه برای همه ۲

گزینش و برگردان:

محمد رضا پارسایار

داستانی از بهشت

کتاب روشنا

نشر نگاه معاصر

فهرست

۷	موشک
۲۷	میز میز است
۳۵	نقشهٔ ماهرانه
۴۹	بچه فیل
۶۳	سفر خوش
۷۵	زن خوب
۸۷	یک روز انتظار
۹۵	ماجرای عجیب جنگ پاپاماناکاسکا
۱۰۹	داستانی از بهشت
۱۲۱	وقتی عمو پاچر تابلورو به دیوار می‌زنه
۱۲۹	شما بچه‌هارو زیادی لوس می‌کنین

موشک

ری بردبری

ری بردبری در ۱۹۲۰ در کشور آمریکا به دنیا آمد. ابتدا ناشران و مدیران نشریات از انتشار آثار وی سر باز می‌زدند، چرا که آن را به اندازه کافی علمی نمی‌دانستند! اما توفیق وی در کار قصه‌نویسی از آن روست که آثار علمی - تخیلی وی از عنصر احساس بی‌بهره نیستند.

بیشتر وقت‌ها فیورلو بودونی^۱ نیمه‌شب از خواب بیدار می‌شد و صدای موشک‌هایی را می‌شنید که صفیرکشان در آسمان می‌گذشتند. بلند می‌شد و مطمئن از این که همسرش در خواب ناز فرو رفته، پاورچین پاورچین می‌رفت بیرون، زیر نور ستارگان. بدین ترتیب لحظه‌ای بوی تند غذا را به مشام می‌کشید که در فضای کوچک خانه‌شان واقع در کنار رودخانه پیچیده بود. آن وقت ساکت می‌ایستاد و دلش در پی موشک‌ها به آسمان پر می‌کشید.

آن شب، با لباس خواب در گوشه‌ای در تاریکی، چشمه‌های آتش را تماشا می‌کرد که در آسمان مهمه می‌کردند و در مسیری نورانی به طرف مریخ، زحل یا زهره روان بودند.

تکانی خورد و با خود گفت: - عجب، عجب، بودونی! ...

پیرمردی روی یک صندوق، کنار رودخانه آرام نشسته بود. او نیز در آسمان آرام رفت و آمد موشک‌ها را نگاه می‌کرد.

- عجب! شماین، برامانت؟

- تو هر شب از خونه بیرون می‌یای، بودونی؟

- بله، فقط برای هواخوری.

- عجب! ولی من دوس دارم موشکارو تماشا کنم. می‌دونی، من بچه بودم که اینا شروع به پرواز کردن. حالا هشتاد سال گذشته

1. Fiorello Bodoni

2. Bramante